

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روش پژوهش نماز محور

ظاهرش را که می‌نگری، چند بار خم و راست می‌شوی و چند ذکر بر زبان می‌آوری تا وظیفه‌ای را انجام داده باشی. نزدیک به پانزده قرن است که پیروان آخرین پیام‌آور پروردگار عالمیان، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از صبح تا شام پنج بار آن را انجام می‌دهند تا وظیفه‌ای را که خداوند بر عهده آنان گذارده، انجام داده باشند و در این سال‌ها هرچه بر علم بشر افزوده شده، دریچه‌ای تازه از ژرفای این فریضه ارزشمند به روی انسان گشوده شده است و هرچه می‌گذرد، اهمیت و ارزشمندی آن بیش از گذشته برای اندیشمندان حق‌جو نمایان می‌گردد.

نماز، عملی عبادی است که خداوند هر روز پنج بار آن را برای پویندگان طریق حق واجب نموده است. لکن هر از گاهی که متفکری آن را به سنگ محک می‌زند، وزانت آن بیشتر هویدا می‌شود. شاید به غیر از کلام الله مجید، هیچ پدیده دیگری همچون نماز مورد بررسی علوم مختلف قرار نگرفته باشد؛ ولی هرچه این تحقیقات ژرفای عمیق‌تری می‌یابد، تازگی نتایج به‌دست آمده و طراوت محصولات این بررسی‌ها در شناخت این واجب بزرگ ارزنده‌تر و شگفت‌آورتر می‌گردد و باعث می‌شود تا بیش از پیش بر پروردگار هستی‌آفرین، آفرین گوئیم.

پژوهش‌های نماز محور، حوزه‌ای فرارشته‌ای است که از یک طرف بسیار دیرینه است و از سوی دیگر، در میان اندیشمندان ملت‌ها مورد توجه، احترام، انتقاد، عنایت و همچنین عداوت است و آموزش و پژوهش پایه‌پای همبستگی و همیاری تحولات آن مورد توجه بوده است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر توجه به امر پژوهش در این عرصه نیازمند توجه عمیق‌تر و دغدغه‌مندی بیشتر فرهیختگان این عرصه است.

این نوشتار عمده محتوای خود را به سمت‌وسوی مقوله پژوهش در حوزه پژوهش‌های نماز‌محور در علوم مختلفی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فقه و دیگر علوم سوق داده و با عنایت به مسئله، اهداف، اهمیت و محوریت موضوع، درصدد تبیین و پیشنهاد موضوعات علمی در تحقیق‌های این‌چنینی و ارائه ساختار مناسب «نظام پژوهشی» نماز‌محور است. این مهم با تبیین مأموریت نظام پژوهشی و اهداف آن و وظایف مدیریت دانایی‌محور و پژوهش‌مدار صورت گرفته است. همچنین الگوی خط‌مشی‌گذاری نظام پژوهش و مؤلفه‌های جامع به مقوله آموزش و تأثیر آن در پژوهش‌های نماز‌محور بررسی گردیده است.

عرصه ابتدایی که می‌توان در آن سخن راند و قایق علم را در دریای بیکران نماز، اندکی به سمت حقیقت‌هدایت نمود، روان‌شناسی است. دو گونه پژوهش در تحقیقات و جستارهای روان‌شناسی و نماز وجود دارد. روش اول به صورت کیفی است که می‌توان به لحاظ نظری و کتابخانه‌ای یا اسنادی به بحث و بررسی پرداخت یا اینکه با استفاده از روش‌های پژوهشی، مانند مطالعه عمیق^۱ یا مطالعه موردی^۲ بر روی گروه مورد آزمایش، به تحقیق پرداخت. روش دوم روش کمی است که همانند روش‌های جدید کیفی دارای فرد یا گروه آزمایشی است؛ اما این گروه‌ها در وضعیت خاص و تحت تأثیر مؤلفه‌های مورد نیاز، آزمایش و سپس مقایسه می‌شوند.^۳

در مورد تحقیقات کیفی کتابخانه‌ای در عرصه روان‌شناسی، به تحقیقاتی همچون نقش نماز در آرامش روان، انگیزه‌های نماز خواندن، ادراک موانع فردی در نماز و آثار روان‌شناختی

نماز از منظر قرآن اشاره کرد. در مورد پژوهش‌های نماز محور از نوع کیفی نیز با حضور محقق می‌توان به تحقیقاتی همچون مطالعه عمیق بر روی اقامه نماز در دوران کودکی و نیز نوجوانی یا مطالعه عمیق میزان ارتباط دو مؤلفه آرامش و نماز در خانواده و همچنین تحقیق موردی تعامل اولیا و مربیان در ترویج فرهنگ نماز در یک مدرسه اشاره کرد. در باب پژوهش‌های کمی نیز می‌توان این موارد را نام برد: میزان ارتباط گرایش به نماز و پیشگیری از بزهکاری، بررسی میزان همبستگی اضطراب و ترک نماز در دانش‌آموزان تازه به سن تکلیف رسیده یا اعتباریابی مقیاس نگرش و التزام عملی به نماز و همچنین عوامل مؤثر در ترغیب دانش‌آموزان به نماز و میزان تأثیر عوامل درون‌مدرسه‌ای در این زمینه.

البته علاوه بر این موارد، می‌توان نظریات روان‌شناختی را نیز مبنا قرار داد و با تأیید ضمنی یک یا چند نظریه، دربارهٔ موضوع نماز مطالعه کرد. برای مثال چگونگی آموزش بر پا داشتن نماز در مدارس با استفاده از نظریه شناختی - اجتماعی در روان‌شناسی و همچنین بررسی فرا تحلیلی عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس با تأکید بر نظریه ناهماهنگی شناختی، از این دسته پژوهش‌ها هستند.

علوم اجتماعی، دومین علمی است که می‌توان تا حدود بسیار زیادی در آن به بحث و بررسی در باب نماز پرداخت. علوم اجتماعی این روزها بسیار گسترده شده است؛ چراکه هم جامعه‌شناسی به عنوان مادر این علوم را در بر می‌گیرد و هم علوم دیگری مانند علوم ارتباطات اجتماعی و همچنین نظریه‌های فرهنگ را در خود جای داده است. البته موضوع تمامی این علوم جامعه است و نگاه جمعی به موضوعات مختلف - چه فرهنگ، چه رسانه، چه اقتصاد و چه حکومت باشد - همه و همه از منظر جمعی آن بررسی می‌شود.

در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، پا از فردیت انسان فراتر گذارده می‌شود و انسان در اجتماع، مطالعه و بررسی می‌شود. بر همین اساس جهتی که نماز برای پژوهشگران علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، سمت‌وسو، بُعد و آثار اجتماعی آن است. به لحاظ اینکه علوم اجتماعی نیز همانند روانشناسی بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند دسته‌بندی پژوهشی این دو تا حدود بسیار زیادی با یکدیگر شباهت دارند و به همین دلیل در علوم اجتماعی نیز تحقیقات با موضوعیت نماز و به اصطلاح پژوهش‌های نماز محور به دو صورت کیفی و کمی است که در مورد گونه کیفی آن تحقیقات می‌تواند به صورت کتابخانه و اسنادی باشد.

در باب دسته اول از این تحقیقات می‌توان به پژوهش‌هایی همچون نقش نماز در تقویت فرهنگ، جایگاه نماز و نیایش در مهندسی فرهنگی، ابعاد اجتماعی نماز جمعه و نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز اشاره نمود و در مورد نوع دوم از تحقیقات کیفی نماز می‌توان به این موارد اشاره نمود: بازنمایی نماز در تلویزیون، بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به مسجد و نماز جماعت و همچنین مقایسه تطبیقی گرایش به نماز در میان خانواده‌های مختلف.

در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات نیز همچون روان‌شناسی به صورت کمی مطالعات علمی صورت می‌گیرد که به جهت اینکه نتایج را با آمار و ارقام به دست می‌دهد، می‌تواند در بسیاری از موارد عملکردها و قوت‌ها و ضعف‌ها را آشکار سازد. تحقیقات کمی در علوم اجتماعی به طور کلی ارتباط زیادی با پر نمودن پیمایش‌ها و فرم‌هایی دارد که آزمودنی‌ها به صورت تصادفی یا انتخابی آن را پر می‌نمایند و تعمیم آنها در فضایی استاندارد، باعث نتایج در خوری می‌گردد. اگر بخواهیم تحقیقاتی از این دست را نام ببریم،

می‌توانیم به تحقیقاتی همچون میزان استفاده از کلمه نماز در میان روزنامه‌های کثیرالانتشار شش ماهه ابتدایی سال جاری، بررسی تطبیقی ساعت پخش و برنامه‌های با موضوعیت نماز و برنامه‌های با موضوعیت ورزش، بررسی تطبیقی فراوانی برنامه‌های مذهبی و برنامه‌های با موضوعیت نماز در صداوسیما، بررسی همبستگی رضایت‌مندی مأمومین از امام جماعت مساجد مناطق تهران با سرعت نمازخواندن امام جماعت اشاره کنیم.

به طور طبیعی نماز در علوم مختلف آثار و نتایج خود را به جا گذارده است که برای مطالعه آنها باید به علوم عمومی همچون تاریخ، علوم سیاسی، کلام، عرفان، حدیث، ادبیات، فقه، پزشکی و کتاب‌شناسی نیز مراجعه‌ای داشت که از حوصله متن حاضر خارج است و امید که در نوشته‌ای دیگر به شرح و بسط هریک از آنها پردازیم.

علی رضا بشیری

پی‌نوشت:

۱. Deep Study

۲. Case Study

۳. جهت مطالعه بیشتر در مورد روش‌های پژوهش کمی در حوزه علوم انسانی که روان‌شناسی نیز جزء همین علوم است، به کتب مختلف روش تحقیق مراجعه کنید. پیشنهاد نگارنده، این کتاب است: ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ ترجمه دکتر عبدالحسین نیک‌گهر؛ تهران: توتیا؛ چاپ نهم، ۱۳۹۲.